

سیاست‌های اصطلاح‌شناسی در جوامع زبانی

• دکتر شهین نعمت‌زاده^۱

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا و عضو شورای واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

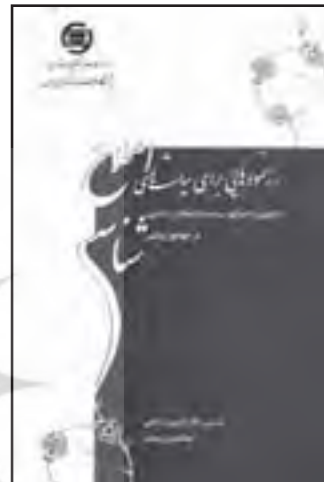
فعالیت‌های این کشور کوچک اروپایی است.

واحد مطالعه اصطلاح‌شناسی «اصطلاح» است و به شناسایی ساختار، منشأ، رفتار و تأثیر و تحول آن می‌پردازد. از آنجاکه پایگاه اصطلاحات عمدتاً علم و فن است، اصطلاح‌شناسی پیوند نزدیکی با زبان علم یا به تعبیری زبان تخصصی دارد. اصطلاح‌شناسی را می‌توان به دو حوزه نظری و کاربردی تقسیم کرد که در ایران به هر دو حوزه «واژه‌گزینی» اطلاق می‌شود. در حال حاضر نهادی که بیش از دیگر نهادها به‌طور رسمی به آن می‌پردازد، فرهنگستان زبان و ادب فارسی است و پیش از آن مرکز نشر دانشگاهی با سبکی متفاوت با فرهنگستان به واژه‌گزینی پرداخته است. اگرچه همه مترجمان و معلمان و متخصصان به‌نوعی گرفتار معادل‌یابی هستند.

سگراً معتقد است که باید بین واژه‌گزینی در زبان اول و واژه‌گزینی در زبان دوم تفاوت گذاشت. واژه‌گزینی در زبان اول یافتن معادل برای مفهومی نوست که قبلاً وجود نداشته است. این واژه‌گزینی در جوامع تولیدکننده علم و فن مطرح است. اما واژه‌گزینی در زبان دوم یافتن معادل برای لفظی است که مفهوم یا مصداق آن قبلاً در زبان اول موجودیت یافته است. بنابراین واژه‌گزینی در زبان اول رویارویی زبان و مفاهیم است و واژه‌گزینی در زبان دوم تقابل دو زبان است (سگرا، ۱۹۹۰، ص ۸۶ و سگرا، ۲۰۰۱، ص ۳۲۵)

اصطلاح‌شناسی همچنین با رشته جامعه‌شناسی زبان و مبحث برنامه‌ریزی زبان رابطه نزدیکی دارد. برنامه‌ریزی زبان که چارچوب کلی کتاب حاضر است به هر نوع دخالت در زبان اطلاق می‌شود. کوپرا^۲ این تعریف را از برنامه‌ریزی زبان به‌دست می‌دهد: «برنامه‌ریزی زبان به تلاش‌های آگاهانه برای اثرگذاری بر رفتار دیگران از نظر آموختن زبان، ساختار زبان یا تخصیص کارکردی قواعد زبانی اطلاق می‌شود» (ص، ۱۰).

در آثار زبان‌شناسی آنگاه که بحث تحول و تغییر زبان مطرح می‌شود، از این استعاره استفاده می‌شود که زبان همچون موجود زنده‌ای است که متولد می‌شود و رشد می‌کند و سرانجام می‌میرد. می‌توان این استعاره را بسط داد و گفت



■ یونسکو، رهنمودهایی برای سیاست‌های اصطلاح‌شناسی، تدوین و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی در جوامع زبانی^۳، ترجمه: نگار داوری اردکانی؛ ابوالفضل زرینخی، ویرایش: علی حسین قاسمی، تهران، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۶، ۷۳ ص، شابک: ۹۶۴-۷۵۱۹-۵۴-۰-۰

اصطلاح‌شناسی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که از اجتماع رشته‌های علوم رایانه، اطلاع‌رسانی، زبان‌شناسی، فلسفه و جامعه‌شناسی تشکیل شده است. این حوزه در بعضی از کشورها، مانند آلمان، گروه‌های آموزشی مستقلی دارد و در شماری دیگر، مانند اتریش و دانمارک، مؤسسات پژوهشی خاص خود را دارد. اتریش از کشورهای بسیار فعال در این زمینه است و شاید بتوان گفت قلب فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی اروپاست. وجود مؤسساتی چون اینفوترم^۴ و ترمنت^۴ در این کشور از جمله امتیازات آن است. علاوه بر این برگزاری همایش‌های مختلف اصطلاح‌شناسی و تشکیل دوره‌های آموزشی و اجرای طرح‌های پژوهشی، اختصاص جایزه و دستر^۵ برای اصطلاح‌شناسان برتر کمک به برگزاری همایش‌ها در دیگر کشورها از جمله

**کتاب رهنمودهایی
برای سیاست‌های
اصطلاح‌شناسی به لحاظ
سبک و محتوا مشابه
اغلب راهنماهای یونسکو
است. کوتاه و کم‌حجم و
بدون حشو است، به شکل
جزوه منتشر شده است
و کاری گروهی است و
مؤلف خاصی ندارد**

زبان همچون انسان است که از سویی دارای ویژگی‌های ذاتی و تغییرناپذیر است، مثل اینکه منشأ خاصی دارد و در خانواده زبانی مشخصی قرار دارد و گریزی از آن ندارد و از سوی دیگر دارای ویژگی‌های اکتسابی است، مثل اینکه از تحولات اجتماعی و سیاسی و فناورانه و برخورد با زبان‌های دیگر تأثیر می‌پذیرد و ذخیره واژگانی آن تغییر می‌کند. اما آنچه به‌ویژه به بحث برنامه‌ریزی زبان مربوط می‌شود، این است که می‌توان زبان را همچون انسان تربیت کرد و آن را برای نیازهای مختلف ساخت و پرداخت. برنامه‌ریزی زبان در حقیقت نوعی تربیت و پرورش و پرداخت زبان است تا پاسخ‌گوی نیازهای جدید باشد.

کتاب رهنمودهایی برای سیاست‌های اصطلاح‌شناسی به لحاظ سبک و محتوا مشابه اغلب راهنماهای یونسکو است. کوتاه و کم‌حجم و بدون حشو است، به شکل جزوه منتشر شده است و کاری گروهی است و مؤلف خاصی ندارد. در پی آموزش مخاطبان نیست، بلکه فقط اشارات و ارجاعاتی را دربردارد تا راه را نشان دهد و افق آینده را ترسیم کند. گروه مؤلفان کتاب از استادان و پژوهشگران اصطلاح‌شناسی ۱۳ کشور هستند که چند تن از آنها را از نزدیک می‌شناسم و در اینجا به چند نفر آنها اشاره می‌کنم. کریستین گالینسکی^۸ مدیر اینفوترم و مدیر طرح از اصطلاح‌شناسان نامدار و تواناست. وی در عین حال مدیری چابک و قابل و خلاق است. گرهارد بودین^۹ استاد زبان‌شناسی دانشگاه وین است که هم به دعوت فرهنگستان زبان و هم به دلیل همسر ایرانی‌اش چندین بار به ایران آمده و دوره‌هایی را در ایران برگزار کرده است. وی همچنین به اتفاق خانم سو الن رایت^{۱۰} که مؤلف دیگر اثر و استاد برجسته زبان‌شناسی دانشگاه کنت امریکاست، دو جلد کتاب دستنامه مدیریت اصطلاح‌شناسی^{۱۱} را ویرایش کرده است. آنتیا باسی^{۱۲} مؤلف دیگر، اهل نیجریه و تحصیل کرده آلمان است که جایزه ووستر را نیز یک‌بار از آن خود کرده است.

هر دو مترجم کتاب سابقه تحصیل در رشته زبان‌شناسی را دارند و در گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی کار کرده‌اند. نگار داور اردکانی رساله دکتری زبان‌شناسی‌اش در زمینه جامعه‌شناسی زبان است و هم‌اکنون به تدریس در دانشگاه مشغول است و با گروه فرهنگ‌نگاری فرهنگستان همکاری کرده است. ابوالفضل زرنیجی دانشجوی دکتری اصطلاح‌شناسی در اسپانیاست و زیر نظر ترزا کابره^{۱۳} که از اصطلاح‌شناسان نامدار است، مشغول نگارش رساله دکتری‌اش است. هر دو مترجم صاحب تألیفاتی در واژه‌گزینی و جامعه‌شناسی زبان هستند و به همین دلیل به‌خوبی از عهده ترجمه کتاب حاضر برآمده‌اند.

کتاب پس از مقدمه کوتاه و مفید مترجمان و مقدمه گالینسکی به تأثیر جهانی شدن بر زبان‌ها می‌پردازد و به تفاوت زبان عمومی و تخصصی اشاره می‌کند و سه کارکرد برای زبان تخصصی برمی‌شمارد.

کارکرد اول برقراری ارتباط بین متخصصان و صاحبان حرف، کارکرد دوم ارائه دانش تخصصی و کارکرد سوم فراهم کردن امکان دسترسی به دانش تخصصی است (ص ۱). مؤلفان معتقدند که زبانی که اصطلاحات فنی و علمی خود را ندارد، ناگزیر باید از زبان خارجی دیگری که توسعه یافته‌تر است، استفاده کنند و این امر گستره استفاده از اطلاعات را محدود می‌کند و در نتیجه نوعی نابرابری علمی و فنی پدید می‌آید. سطر نانوشتۀ این بخش این است که زبان تخصصی اگرچه در مقایسه با زبان عمومی محدودتر است و به عبارتی زیرمجموعه آن به حساب می‌آید، تأثیر زیادی بر توسعه زبان عمومی دارد و از طرفی همین زبان تخصصی شاخص توسعه‌یافتگی زبان محسوب می‌شود. در ادامه شماری از مفاهیم اصطلاح‌شناسی مثل مهندسی زبان، نظام‌های مدیریت اصطلاحات، بازار اصطلاح‌شناسی و برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی تعریف شده است.

اما شاکله کتاب سه بخش الف) برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی، ب) تدوین و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی، ج) آماده‌سازی، تدوین و اجرای سیاست‌های اصطلاح‌شناسی است.

در بخش برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی هر دو مفهوم نسبتاً به تفصیل تشریح شده‌اند و در نموداری (ص ۱۲) هر دو حوزه زیرمجموعه برنامه‌ریزی ارتباطات تلقی شده است. در همین بخش تعریف کوپر که پیش از این به آن اشاره شده، آمده است.

نویسندگان چندزبانگی، آموزش زبان و فناوری ارتباطات را زمینه‌های برنامه‌ریزی زبان تلقی می‌کنند و دو مفهوم اصطلاح‌شناسی اصطلاح‌شناسی را معرفی می‌کنند.

اصطلاح‌شناسی تبدیل واژه معمولی زبان به اصطلاح است، مثل اینکه واژه «ماوس» (موش) از زبان معمولی وارد زبان رایانه می‌شود و اصطلاح‌شناسی تبدیل اصطلاح تخصصی به واژه رایج زبان عمومی است. به نظر می‌رسد واژه «سی دی» (لوح فشرده) چنین سرنوشتی داشته باشد.

در این بخش همچنین اصول اصطلاح‌سازی یا به تعبیری واژه‌گزینی مثل شفافیت، انسجام، تناسب، ایجاز، اشتقاق‌پذیری، صحت زبانی و روش‌های اصطلاح‌سازی

یا واژه‌سازی مثل اشتقاق، ترکیب، اختصارسازی، قلب و وام‌گیری معرفی شده است.

دومین بخش مهم کتاب تدوین و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی است. توصیه مؤلفان این است که همه جوامع زبانی اعم از بزرگ و کوچک و متوسط به سیاست ملی اصطلاح‌شناسی نیاز دارند. این سیاست باید با توجه به نیازهای جامعه زبانی، مسائل فرهنگی، قابلیت‌های سخت‌افزاری، توانایی‌های بخش خصوصی تدوین شود. مؤلفان ذیل هر مورد امکانات و انتخاب‌های ممکن را فهرست کرده‌اند و این معلوم می‌کند که مسائل را می‌شناسند و می‌توانند افق آینده را ترسیم کنند، مثلاً در مبحث اقدامات بخش خصوصی، ریزفعالیت‌های برون‌سپاری فهرست شده است.

در بخش آماده‌سازی، تدوین و اجرای سیاست‌های اصطلاح‌شناسی به مسائلی چون ارزیابی محیط زبانی به‌لحاظ نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، تلاش برای افزایش آگاهی، روش‌شناسی کار، استفاده از خدمات مشاوره‌ای در سطح ملی، تهیه پیش‌نویس، برقراری هماهنگی بین برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی و دیگر سیاست‌های برنامه‌ریزی، تمهید مقدمات اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی، مدیریت و برنامه‌ریزی سازمانی، تبلیغ و ترویج سیاست اصطلاح‌شناسی پرداخته شده است، در صفحه ۵۸ نیز خلاصه مراحل در چهار مرحله آماده‌سازی، تدوین، اجرا و سازوکار عملیات و سازگاری پایدار فهرست شده است.

در بخش پایانی ضمن ذکر خلاصه رهنمودها، بر این نکته تأکید شده است که فعالیت پیچیده اصطلاح‌شناسی مستلزم حداقل سه نوع تخصص موضوعی، زبانی و اصطلاح‌شناختی است. در پیوست اصطلاحات مورد استفاده تعریف شده است. اگرچه مخاطب اصلی این اثر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان هستند، مطالب دقیق آن می‌تواند مورد توجه پژوهشگران حوزه زبان و ارتباطات و اطلاع‌رسانی و رشته‌های تخصصی مختلف قرار گیرد. در این اثر کم حجم بسیاری از مسائل نظری و عملی کار واژه‌گزینی طرح شده است، ترجمه روان و قابل فهم است، تنها نکته‌ای که به نظر می‌رسد این است که «ترمینولوژی» به تعبیر سگر سه مفهوم دارد:

۱. مجموعه اصطلاحات یک حوزه؛

۲. علم اصطلاح‌شناسی؛

۳. فعالیت اصطلاح‌شناسی (واژه‌گزینی).

با توجه به اینکه پایانه زبانی «شناسی» در فارسی عمدتاً تداعی «علم» را دارد، بهتر بود در مواردی از معادل‌های دیگر استفاده گردد. برنامه‌ریزی اصطلاح‌شناسی در نظر اول به‌نظر

می‌رسد که برنامه‌ریزی برای رشته علمی اصطلاح‌شناسی باشد، مثل برنامه‌ریزی ریاضیات، در صورتی که این برنامه‌ریزی در کنار برنامه‌ریزی زبان قرار گرفته و منظور آن برنامه‌ریزی برای اصطلاحات است. در مواردی هم منظور از اصطلاح‌شناسی، واژه‌گزینی و معادل‌یابی است. تردیدی ندارم که مترجمان و ویراستار این تمایزات را می‌شناسند و در مواردی نیز لحاظ کرده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد وحدت اصطلاح‌شناختی را بر کثرت آن ترجیح داده‌اند.

در پایان جا دارد از مدیران پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران نیز تشکر کرد که به چاپ آثار مرجعی از این دست اقدام می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

1. snematzad@yahoo.com
2. Guidelines for Terminology Policies
3. Infoterm = International Information Center for Terminology
مرکز بین‌المللی اطلاعات اصطلاح‌شناسی که یونسکو آن را در سال ۱۹۷۱ در وین پایتخت اتریش تأسیس کرد و هم اکنون شعبه دیگری نیز در آلمان دارد.
4. Termnet = International Network for Terminology
شبکه بین‌المللی اصطلاح‌شناسی
5. Eugen Wüster
ووستر مؤسس مکتب اصطلاح‌شناسی وین که او را بنیانگذار اصطلاح‌شناسی نوین نیز می‌دانند.
6. Juan C. Sager
7. Cooper, Robert
8. Christian Galinski
9. Gerhard Budin
10. Sue Ellen Wright
11. Handbook of Terminology Management
Amsterdam, John Benjamin, 1997.
12. Antia Bassey
13. M. Teresa Cabré

مآخذ:

1. Sager, J.C. (1990). A Practical Course in Terminology Processing. Amsterdam, John Benjamin
2. Sager, J.C. (2001). Terminology Applications in: Mona Baker, Rutledge Encyclopedia of Translation Studies, London, Rutledge

با توجه به اینکه پایانه زبانی «شناسی» در فارسی عمدتاً تداعی «علم» را دارد، بهتر بود در مواردی از معادل‌های دیگر استفاده گردد